

سبک کسب و کار

موضوع انشاء، از دیروز تا امروز

## چرا دوست دارید در آینده پزشک شوید؟

■ محسن زینلی

ذریط و جامعه پزشکی شدیداً برافروخته شده و اینگونه تخلفات را به عده‌ای قلیل از جامعه پزشکی نسبت می‌دهند و نه همه آنها! اما آیا به راستی اینگونه است؟ آیا عده قلیلی از جامعه پزشکی ما این شیوه را در پیش گرفته‌اند؟ شاید اگر دانشجویان رشته پزشکی و همه پزشکان عمومی و دیگر رشته‌های مرتبط را به این مجموعه بیفزاییم حق با این عزیزان باشد و عده کمی از جامعه پزشکی ما اولویتشان متخصص و فوق تخصص باشد، اجازه بدهید به بگویم اینگونه نیست و برعکس عده کمی از آن‌ها اولویتشان سوگند بقراطی است که خوردند. این حقیقتی است که هر روزه مردم ما بان سر و کار دارند و انکار آن توسط هر مرجعی انکار حقیقت است.

اما به راستی مقصر چه کسی است؟ اقتصاد خراب کشور؟ طمع زیاد پزشکان؟ بیماران؟ نهادهای نظارتی؟ یا... خودمان؟ شاید بد نباشد به یک جنبه از علت خودمان بپردازیم که موضوع انشاء آن زمان ما بود: «دوست دارید در آینده چه شغلی داشته باشید؟»

اگر در گذشته مسائل مادی آخرین علتی بود که والدین برای پزشک شدن کودکشان اقامه

«دوست دارید در آینده چه شغلی داشته باشید؟» موضوع ثابت انشاء در دوران تحصیل ما بود. گویا از آن زمان تاکنون و احتمالاً در آینده نیز این موضوع ادامه دارد!

شاید این موضوع به خاطر نگرانی خانواده‌ها بود که به معلمان نیز تسری پیدا کرده بود و به همین خاطر همیشه جذاب به نظر می‌رسید. به خاطر دارم که در همان دوران بسیاری از دانش آموزان شغل پزشکی را انتخاب می‌کردند و برای علاقه خود به این رشته دلایل زیادی را عنوان می‌کردند که در بیشتر مواقع نظر والدین بود تا دانش‌آموزا ولسی جالب بود که غالباً علت انتخاب این شغل را کمک به دیگران یا نجات جان بیماران عنوان می‌کردند. بنابراین کاملاً قابل درک است که این شغل را جزو مشاغل شریف به حساب بیاوریم (چه چیزی مهمتر از نجات جان همنوعان؟) پس بدیهی است که نوع شغل و عملکرد آن در جامعه بر میزان اهمیت و ارزشی بودن آن می‌افزاید. اما همین علت می‌تواند در عین ارزش به ضد خود تبدیل شود، آنگاه که اولویت پزشک جامعه ما به جای نجات جان بیماران همانا کسب درآمد باشد و نه چیزی بیشتر!

پزشکانی که بیمار را به شکل اسکناس می‌بینند و صحبت از رقم‌های چندمیلیونی خارج از



می‌کردند و مسائل انسانی اولویت نخست را داشت اما امروزه ببینید ما به کودک کانمان چه چیزی را توصیه می‌کنیم. شاید خلاصه آن نصایح این باشد: «فرزند سعی کن پزشک شوی تا در جامعه برای خود کسی باشی!» یا «فلانی را نگاه کن چه وضعی دارد، چون پزشک است». یا «اگر دکتر شدی شما هم می‌توانی فلان ماشین بخری...» و... حالا در این نصایح، خدا، وجدان و انسانیت چه جایگاهی دارند؟ نمی‌دانم، ولی این را خوب می‌دانیم که اگر آن کودک روزی پزشک شود نباید چندان انتظاری از او داشت، چون عده‌هایی را که ما ناخواسته به خورد آن‌ها می‌دهیم، جای توقعی باقی نمی‌گذارد... «من در این جاده، نمی‌بینم هیچ خانه پاک خدا، آخر این جاده، نباشد مهر گز آخر جاده بدان حتم، که حق، با ما نیست سر آن پیچ، جدا گشت ما ای مردم، به خدا، راه غلط آمده‌ایم...» شما چه فکر می‌کنید؟

اگر در گذشته مسائل مادی آخرین علتی بود که والدین برای پزشک شدن کودکشان اقامه می‌کردند و مسائل انسانی اولویت نخست را داشت اما امروزه ببینید ما به کودک کانمان چه چیزی را توصیه می‌کنیم. شاید خلاصه آن نصایح این باشد: «فرزند سعی کن پزشک شوی تا در جامعه برای خود کسی باشی!»

ضوابط و تعرفه‌های پزشکی می‌کنند (بخوانید زیر میز). جای تعجب است که هر گاه صحبت از تخلف پزشکان می‌شود برخی مسئولان

عکس نوشت



انگار همین دیروز بود، با یک عصای چوبی به خانه آمد. مادر بزرگش خوشحال شد. وقتی با کمک آن عمار راه می‌رفت فقط زیر لب او را دعا می‌کرد که «الهی پیرشی جوان...» خیلی زود گذشت، دعای مادر بزرگ گرفت...

و حیدر داد

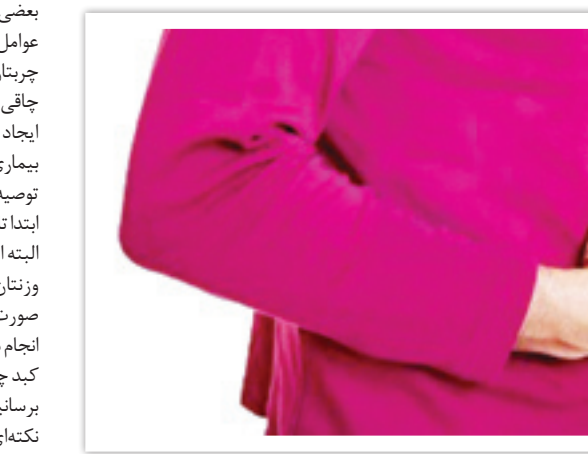


دستگاه‌ها می‌پرسد. بازار یاب محترم توضیح می‌دهد: دستگاه‌های ما با فرستادن فرکانس‌هایی که برای گوش سوسک‌ها و سایر حشرات موزی آزاردهنده است اما گوش انسان نمی‌شود این حشرات را از محیط خانه و اداره فراری می‌دهد. مجری می‌پرسد چند دستگاه برای هر خانه لازم داریم. استاد کارشناس می‌فرماید سؤال خوبی است، بستگی به متر از خانه دارد. مشتریان ما می‌توانند با یک پیامک یا ما ارتباط بگیرند. بعد از این ارتباط، کارشناسان ما با مراجعه و بازدید از منزل مسکونی یا اداره، دستگاه مربوطه را به سفارش دهنده تحویل می‌دهند و در محل مناسب نصب می‌کنند. بعد مجری یک سؤال خیلی استراتژیک از کارشناس بازار یاب محترم شرکت تولیدکننده محصولات مبارزه با حشرات موزی می‌پرسد که اگر مثلاً این منزل مسکونی در یک مجتمع باشد چطور؟ منظور از چطور احتمالاً این است که اگر مثلاً واحد ۱۵ دستگاه‌ها را خرید و نصب کرد و با ارسال فرکانس‌های گوشخراش، سوسک‌ها هجوم بزنند به واحد ۶ تا از این فرکانس‌های شرکت شما در امان باشند، آن واحد ۶ اصولاً چه خاکی باید بر سرش بریزد؟ کارشناس جواب می‌دهد اتفاقاً سؤال خیلی خوبی پرسیدید... یعنی سؤال در حد باقلو! «شرکت ما فکر این مسائل را هم کرده است، مجتمع‌هایی که با مشکل حشرات موزی مواجهند توجه داشته باشند که حتماً همه‌شان باید اقدام کنند. یعنی این طور نیست که یک واحد، دستگاه‌های شرکت را خریداری کند. توصیه می‌شود مدیر ساختمان با همکاری واحدها اقدام به خریداری این دستگاه‌ها کنند.

بازار یاب محترم همچنان دارد حرف می‌زند اما بخش تحلیلی ذهن من فعال شده است. در ذهنم تجسم می‌کنم که اگر در یک مجتمع هفت طبقه‌ای سه واحدی - فرض کنید ۲۰ واحد - هر کدام چند دستگاه از این شرکت خریداری کنند و فرکانس‌های آزاددهنده برای گوش حشرات موزی در همه این واحدها پخش شود، اگر بخواهیم از زاویه دید یک سوسک که این اتفاق نگاه کنیم چقدر اوضاع بی‌ریخت می‌شود. فرض کنید مثلاً سوسک‌ها تصمیم می‌گیرند به اتفاق بروند واحد ۱۲، بعد می‌روند آنجا و می‌بینند

تا حد زیادی وجود دارد. با عجله غذا خوردن، غذا را همراه با مایعات خوردن و با فاصله کمی بعد از خوردن غذا دراز کشیدن، بستن کمر بندهای سخت و مصرف غذا دراز درواها مثل برخی از داروهای قلبی هم از دیگر عوامل منفی برای این بیماری است. اما درباره کبد چربتان باید بگویم شایع‌ترین علت مرتبط با کبد چرب چاقی است. چاقی معضلی است که نه تنها موجب ایجاد بیماری کبد چرب می‌شود بلکه سبب ابتلا به بیماری‌های مثل دیابت و فشار خون هم می‌شود. توصیه من به شما این است که قبل از مصرف هر دارویی ابتدا تلاش کنید تا وزن‌تان را به مقدار مناسبی برسانید. البته این نکته را هم در نظر داشته باشید که کاهش وزن‌تان باید با یک سرعت متناسب و شیبی ملایم صورت پذیرد، چون اگر کاهش وزن با سرعت زیادی انجام شود خودش دلایلی می‌شود برای ابتلا به بیماری کبد چرب. پس حتماً وزن‌تان را به یک حد متعادل برسانید تا راحت‌تر بیماری‌تان را درمان کنید. نکته‌ای که لازم می‌دانم در اینجا مطرح کنم این است که در حال حاضر برای شناسایی کبد چرب نیازی به سونوگرافی نیست چون باید مدتی از درمان‌تان بگذرد. همبرگر از تمامی نگهدارنده‌ها بیشتر است. کافئین که جزو مواد غذایی است که افرادی که دچار معده درد یا رفاکس شدید هستند نباید از آن استفاده کنند، کافئین در تمامی نوشیدنی‌ها به ویژه نوشابه‌ها

## با سوزش معده و کبد چرب چه کنیم؟



اثر گذار است مصرف مواد غذایی نامناسب است؛ غذاهایی که چرب هستند یا مصرف سس مایونز، کره و خامه، مصرف نیترات به ویژه نیتراتی که در مواد نگهدارنده مورد استفاده قرار می‌گیرد، در تشدید رفاکس مؤثر است. در نظر داشته باشید که نیترات

## برنامه‌های خانوادگی تلویزیون دچار سندروم اسپانسرزدگی شده‌اند

# صابون کوسه هم به تن تلویزیون خورد

حسن فرامرزی  
تلویزیون، برنامه آشپزی دارد، دوست داری ببینی آیا آشپز فقط یک بار، محض رضای خدا فقط یک بار چیزی به غیر از ما کارونی آموزش می‌دهد؟ چقدر خوش‌خیالی تواوقتی اسپانسر برنامه آشپزی تلویزیون، یک شرکت تولیدکننده ماکارونی است، آیا می‌توان جز شیوه طبخ ماکارونی به ملت چیز دیگری هم یاد داد؟ آشپز هر روز در حد مرگ فقط ماکارونی می‌پزد، انگار که در این عالم چیزی جز ماکارونی وجود ندارد.

خودم را جایی آن آشپز می‌گذارم، روح و روانم مختل می‌شود. یعنی ماهی ۱۰ میلیون تومان به آدم بدهند که هر روز یاد در یکی از استودیوهای تلویزیون، ماکارونی درست کن باز آدم از یک جایی به بعد کم می‌آورد. باور کنید آدم کم می‌آورد. بهترین آشپز دنیا هم که باشی و اصلاً آشپز زاده شده باشی چقدر می‌توانی با این ماکارونی مانور بدهی؟ یک بار ماکارونی را با میگو آموزش می‌دهی، یک بار ماکارونی را با گوشت ماکارونی را با سبزیجات. یک بار ماکارونی را با تخم‌مرغ آب‌پز. یک بار ماکارونی با سوسیس، بالاخره یک روز آدم کم می‌آورد.

حالا توجه کنید که برنامه اعصاب پرور و مفرح آشپزی با ماکارونی تمام می‌شود و دوربین در استودیو حرکت نمی‌کند به سمت مری محترم می‌که قرار است به ما بافتنی یاد بدهند. مجری برنامه به مری ۲۰ ثانیه فرصت می‌دهد که طرز بافتن یک ژاکت را به بینندگان محترم ما بیاشپس یاد بدهد. پیش خودم فکر می‌کنم چطور می‌شود در ۳۰ ثانیه طرز بافت یک ژاکت را به بینندگان محترم ما یاد داد. البته اگر می‌شد برای میل بافتنی و کاموا هم اسپانسر جور کرد بدهد. زمان سخاوتمندانه‌تری را می‌شد به مری محترم داد ولی به نظر می‌رسد ۱۰ ثانیه هم برای آن مری مغتنب باشد. احتمالاً همین که اسمش در آن برنامه برده شود و دوربین یک نمای مدیوم شات از مری، میل بافتنی‌ها و کامواهایش را نشان بدهد کافی است و می‌آزرد به خاطر ۳۰ ثانیه‌ای همه راه را بگویی و بیایی تلویزیون.

مری در این چند ثانیه فرصت می‌کند بگوید خانهای محترم توجه کنید، خیلی ساده است. خوشبختانه همه خانم‌ها هم بلدند. همسر من با لحن غمگینم‌امی می‌گوید ولی من بلد نیستم. همسرم را دلدار می‌دهم که احتمالاً شما هم بلد، یعنی بالقوه بلد، در ۳۰ ثانیه فرصتی که به مری داده شده مجری چند بار تعارف می‌کند بختشید که وقت نداریم. مری هم می‌گوید: بله متأسفانه زمان ما محدود است اما چه می‌شود که مری هم می‌گوید اشکال ندارد. هفته آینده فرصت بیشتری به شما می‌دهیم. البته هم مری و

### سبک سلامتی

سؤال: حدود پنج سال است که از ترشح بیش از حد اسید معده رنج می‌برم، البته دائماً تحت نظر متخصص هستم ولی در زمان خیلی مؤثر واقع نشده است. دو ماه پیش هم سونوگرافی انجام دادم و متوجه شدم علاوه بر مشکل معده، کبدم نیز چرب گردید یک تا دو است و به همین دلیل با تجویز پزشک متخصص رژیم غذایی گرفتم ولی بعد از ۴۵ روز که دوباره سونوگرافی انجام دادم، نتیجه نشان داد که چرب گردید کبدم دو تا سه است. از این بابت بسیار نگران و ناراحتم، لطفاً راهنمایم کنید.

### پاسخ از دکتر محمدحسین خدمت، فوق تخصص گوارش

احتمالاً اینکه می‌گویید ترشح اسید معده‌تان زیاد است به خاطر این است که سسر معده‌تان می‌سوزد یا احساس می‌کنید مایع داغی پشت جناغ سینه‌تان ریخته می‌شود، این احساس تشدید رفاکس معده است و کاری که یک متخصص گوارش انجام می‌دهد این است که با تجویز دارو و ارائه راهکارهای مختلف این رفاکس را تنظیم کند.

قوی‌ترین علتی که علائم رفاکس را تشدید می‌کنند شرایط نامناسب روحی و روانی است، اضطراب و استرس و تنش و فشارهای روحی می‌توانند تا حد زیادی در اختلالات گوارشی و تشدید رفاکس تأثیرگذار باشند. دومین موردی که تا حد زیادی